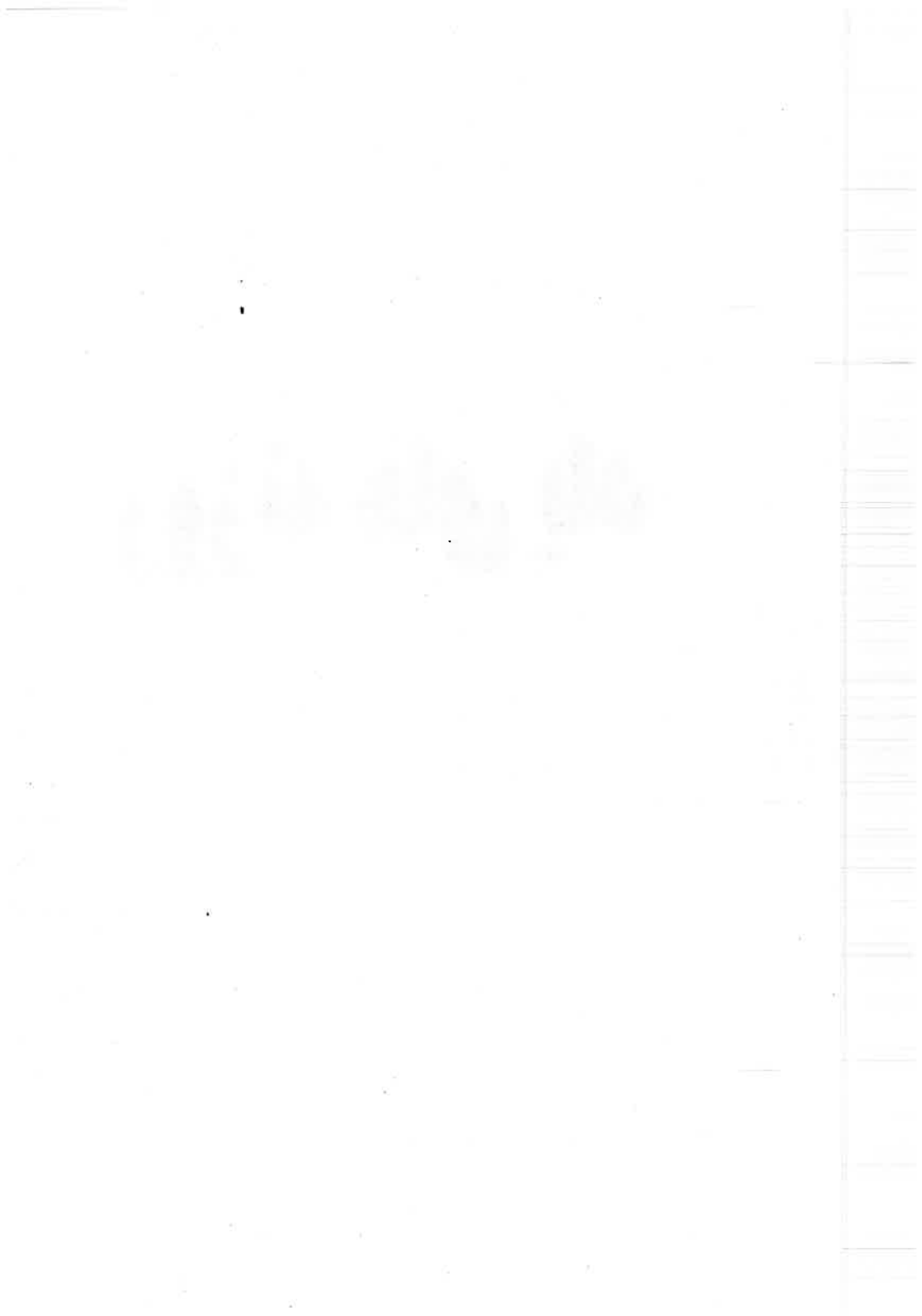


روزنه های یاد



فصل اول

« تاریخ دیانت بهائی »

حضرت باب:

معنای باب در و دروازه است. القاب دیگر مبارک حضرت اعلی و نقطه اولی است.

در ۲۳ ماه می در سال ۱۸۴۴ میلادی هنگامی که یک جوان ۲۵ ساله تاجر از اهالی شیراز بنام سید علی محمد به ملاحسین که یکی از طلاب با علم و دانش وقت بود اظهار امر کرد لقب باب را برای خود برگزید و اظهار نمود که از طریق او مردم بظهور بزرگتری که بزودی ظاهر خواهد شد پی خواهند برد.

ظهور حضرت باب شایسته زیادی به ظهور یوحنا در دیانت مسیحی داشت که قبل از ظهور حضرت مسیح مردم را برای آمدنش آماده ساخت. چون تعالیم حضرت باب سرعت در بین مردم پراکنده شد و مورد استقبال فرار گرفت مقامات حکومتی و پیشوایان مذهبی که در دولت ضعیف و فاسد آن زمان

قدرت فراوانی برای خود کسب کرده بودند از بیم بخطر افتادن موقعیت خود تمام قوا به مبارزه بر علیه آن حضرت برخاستند و بزودی حضرت باب دستگیر کرده بزندان افکندند.

در عرض ۶ سال حیاشی بعد از اظهار امر در حدود ۲۰ هزار نفر از پیرو آن حضرت بشهادت رسیدند. این پیروان که بنام بابی مشهور شده بودند در شکنجه‌های طاقت‌فرسائی شدند که ذکرش ممکن نیست. اولین هجده نفری بدون خبر از یکدیگر حقایق حضرت باب را دریافته و ایمان آوردند به لقب (حروف حی) ^۱ منتخر شدند. یکی از حروف حی خاتمی بود بنام قره‌العین چند سال بعد حضرت بپاء الله باو لقب طاهره را عنایت فرمودند. او برای اول بار حجاب را از چهره خود برداشت و آغاز عصر جدیدی را که در آن، زده دارای شخصیت و حقوق مساوی با مردان خواهند بود اعلان نمود. آخر حروف حی که به لقب قدوس منتخر شد با آن که بیش از بیست و دو سال عمرش نمی‌گذشت، از لحاظ مقام روحانی بعد از حضرت باب قرار گرفت. آخر حروف حی جان خود را در راه عقیده و ایمان خود نثار کردند. شهادت معجزه آسای حضرت باب در تاریخ ۹ جولای ۱۸۵۰ در تبریز واقع شد. آن حضرت در مقابل شلیک ۷۵۰ (هفتصد و پنجاه) نفر سرباز محفوظ ماندند و برای دفعه دوم گلوله‌های آتشبار به مقصد خود رسیدند. این واقعه باور نکرد در روزنامه‌های غرب انعکاس یافت.

حضرت بهاء الله:

با آنکه زندگانی و دوره امر حضرت باب کوتاه بود ولی در همین مدت کوتاه ناموریت الهی آن حضرت که عبارت از آماده ساختن پیروان خود برای ظهور حضرت بهاء الله بود به هدف خود رسید. حضرت باب در کتاب آسمانی خود که نامش کتاب بیان است بیانی به عربی به این مضمون می فرمایند. خوشا بحال کسی که نظر خود را متوجه به نظم بدیع حضرت بهاء الله نماید و به شکرانه خداوند بپردازد.

در سال ۱۸۶۳ حضرت بهاء الله خود را مظهر موعود حضرت باب و کلیه کتب مقدسه قبل اعلان فرمودند. تاریخ حیات حضرت بهاء الله جداگانه در فصل دوم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

حضرت عبدالبهاء:

حضرت بهاء الله در وصیتنامه خود بنام کتاب عهدی پسر ارشد خود حضرت عبدالبهاء را بعنوان تنها مرجع موثق و مجاز برای تفسیر و تشریح تعالیم الهی تعیین فرمودند. حضرت عبدالبهاء زندگانی خود را وقف خدمت بامر الهی فرمودند. نام ایشان عباس و تولدشان مقارن اظهار امر حضرت باب در ۱۸۴۴ بود و صعود آن حضرت در سال ۱۹۲۱ واقع گردید. با آنکه حضرت بهاء الله القاب متعددی از قبیل «سرکار آقا»، «غصن اعظم» و «سراالله» به آن حضرت عطا فرموده بودند ولی ایشان خود را عبدالبهاء لقب دادند بمعنای بنده بها. آن حضرت در تمام دوران تبعید و زندان به همراه پدر بزرگوارشان بودند و حتی شانزده سال بعد از صعود حضرت بهاء الله، زندانی آن وجود ادامه یافت. در هفت سال آخر، ایشان اجازه خروج از شهر عکا را نداشتند. پس از آزادی از

زندانی، حضرت عبدالبهاء به مصر و اروپا و سپس در سال ۱۹۱۲ سفری هفت ماهه به سرتاسر امریکا و قسمتی از کاتادا فرمودند و در شهرهای مختلف کلیساهای دانشگاهها و منازل افراد امر حضرت بهاءالله را اعلان فرمودند. سنه بنیاد مشرق الاذکار امریکا که در شهر ویلمت واقع است بدست مبارک نهاده شد ساختمان مقام اعلی که مرقد حضرت بابست در دامنه کوه کرمیل واقع اسرائیل، در محلی که حضرت بهاءالله تعیین فرموده بودند بنا شد. ساخته مشرق الاذکار عشق آباد که اولین مشرق الاذکار دنیا و در ایالت ترکستان روه واقع بود، در زمان حضرت عبدالبهاء پیمان رسید. در بین آثاری که از حضرت باقیمانده می توان از ۲۶ تا ۲۷ هزار لوح و چندین کتاب نامبرد. حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق حضرت بهاءالله و مثل اعلای تعالیم بهائی بش می روند. صعود آن حضرت در سال ۱۹۲۱ واقع شد و رسم مطهر یعنی ج پاک ایشان در اطاق جنب مرقد حضرت باب به خاک سپرده شد.

حضرت شوقی ربانی (ولی امرالله):

تعیین حضرت عبدالبهاء بمنوان مرکز میثاق از جانب حضرت بهاءالله بقاء حفظ اتحاد و یگانگی در بین پیروان این آئین گردید. حضرت عبدالبهاء نیز الواح وصایای خود حضرت شوقی ربانی را که نوه ارشد ایشان بودند بمنوان امرالله منصوب فرمودند تا این اتحاد در بین بهائیان محفوظ بماند. حضرت و امرالله آخرین مفسر و مبیین آثار حضرت بهاءالله هستند. ایشان در عکامت شده و در زیر توجه پدر بزرگ بزرگوارشان پرورش یافتند. در ایام جوانی بمنو

منشی انگلیسی زبان در خدمت حضرت عبدالبهاء بودند. در سن ۲۴ سالگی هنگامی که در دانشگاه آکسفورد انگلستان به تحصیل مشغول بودند حضرت عبدالبهاء صعود فرمودند. در همین سن بود که شوقی ربانی مسئولیت ولایت امر را بعهده گرفتند.

در طول ۳۶ سال خدمات شبانه‌روزی که در سال ۱۹۵۷ یا صعود آن حضرت پایان یافت، با طرح نقشه‌های متعدد تبلیغی موجبات توسعه و انتشار وسیع دیانت بهائی در سرتاسر جهان را فراهم نموده نظم اداری بهائی را بصورتی که حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء در نظر داشتند به مرحله اجرا گذاردند. از جمله خدمات ذیقیمت آن حضرت ترجمه آثار حضرت بهاء‌الله با انگلیسی، تکمیل ساختمان خارجی مقام اعلی، ساختمان بنای دارالآثار بین‌المللی بهائی، تنظیم و ترفین باغات اطراف روضه مبارکه یعنی محل مرقد حضرت بهاء‌الله و همینطور مقام اعلی است که در ارض اقدس واقعند. در بین آثار حضرت شوقی افندی می‌توان از هزاران الواحی که به سرتاسر جهان فرستاده شد و کتابهای ایشان نام برد. آن حضرت در سال ۱۹۵۷ میلادی در سن شصت سالگی در شهر لندن انگلیس صعود کردند و مرقدشان در همان شهر قرار دارد.

آخرین نقشه یعنی نقشه ده‌ساله تبلیغی حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۶۳ تکمیل گردید و در آن سال پنجاه و شش محفل ملی در سرتاسر جهان اعضای اولین بیت‌العدل اعظم را انتخاب نمودند.

بیت‌العدل اعظم:

حضرت بهاء‌الله در کتاب مقدس خود بنام کتاب اقدس تشکیل بیت‌العدل اعظم را معین فرمودند. حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خود تأکید فرمودند که مرجع اهل بها کتاب اقدس است و اگر مطلبی در آن کتاب واضح و مشخص

نبود باید به بیت‌العدل اعظم مراجعه شود. همینطور می‌فرمایند که بیت‌العدل مرجعی است مصون از خطا. ۹ نفر اعضای بیت‌العدل اعظم هر پنج سال یکبار انتخاب می‌شوند. آخرین انتخاب، در سال ۱۹۹۳ توسط ۱۶۵ محفل روحانی ملی از سرتاسر جهان صورت گرفت. این خود بخود نشان می‌دهد که در سی سال اخیر نظم اداری بهائی در جهان سه برابر و تعداد مؤمنین به دیانت بهائی یازده برابر شده یعنی از نیم میلیون به پنج و نیم میلیون نفر افزایش یافته است. بر طبق آمار دائرةالمعارف بریتانیا دیانت بهائی بعد از دیانت مسیحی دومین دیانتی است که در عالم پخش شده است.

دورهٔ دیانت بهائی:

یکی از عناوین حضرت محمد پیغمبر اسلام، خاتم‌الانبیاء است. معنای این عنوان اینست که با بعثت حضرت محمد دورهٔ ظهور نبی، یعنی کسی که ظهور آیندهٔ الهی را پیشگویی می‌کند پایان رسیده است. با ظهور حضرت باب در سال ۱۸۴۴، کور بهائی که انگلیسی آن *The Baha'i Cycle* است آغاز شد. این کور زمانی است که جمیع پیامبران گذشته به آمدن آن بشارت داده و کلیه ادیان برای فرارسیدنش روزشماری می‌کنند. طول این دوره پانصد هزار سال یعنی پانصد هزار قرن خواهد بود. اولین مرحله در این کور، دور دیانت بهائی است که به انگلیسی آن را *Baha'i Era* می‌خوانند و حداقل هزار سال ادامه خواهد یافت پس از آن پیامبر دیگری ظاهر خواهد شد. مطابق فرموده حضرت بهاءالله ظهور پیامبران الهی در این جهان پایانی نداشته و ادامه خواهد یافت و تازمانی که عالم انسانی وجود دارد به تعالیم الهی نیز احتیاج خواهد بود.

دور بهائی از سه عصر تشکیل یافته است که عبارتند از: ۱ - عصر رسولی
 ۲ - *The Apostolic Age* - عصر تکوین *the Formative Age*

۳ - عصر ذہبی یا طلائی The Golden Age.

عصر رسولی:

این دوره که در سال ۱۸۴۴ با اظهار امر حضرت باب آغاز شد با صعود حضرت عبدالبهاء در ۱۹۲۱ خاتمه یافت. جانبازی‌ها و فداکاری‌های بی‌نظیر این عصر فتوحات فراوانی را نصیب دیانت بهائی کرد. مؤننین اولیه این عصر بعنوان مطالع انوار که انگلیسی آن The Dawn Breakers می‌باشد، معروف هستند. تا زمان حضرت عبدالبهاء تعداد شهیدانی که جان خود را نثار عقیده و ایمان خود کردند به سی هزار نفر بالغ شد^۱. با مطالعه وقایع این عصر خواهیم توانست متوجه شویم که چگونه این درخت الهی با خون هزاران نفر شهید آبیاری و بارور شده است.

عصر تکوین:

نام دیگر این دوره تحول است که انگلیسی آن The Transitional Age می‌باشد. این دوره با شروع ولایت امر و تعیین حضرت شوقی ربانی بر طبق الواح و صایای حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۲۱ میلادی آغاز یافت. مؤسسات بهائی در این عصر بنیان‌گذاری شده و ادامه آن تا قرن ذہبی خواهد بود. اضطرابات و مصیبت‌های بدون سابقه عالم انسانی را به زانو در خواهند آورد. این بلاهای مختلف و امتحاناتی که برای بهائیان پیش خواهد آمد سبب فتوحات گوناگون

۱ - کتاب «عبدالبهاء» ص ۳۵ بقلم بالیوزی (انگلیسی).

برای این امر خواهد شد و شالودهٔ عصر ذهبی یعنی دوره‌ای که ملکوت الهی بر روی زمین مستقر می‌شود ریخته خواهد شد.

وظیفهٔ ما قیام بخدمت و اطمینان به قدرت شکست‌ناپذیر این دیانت است ولی قبل از هر چیز باید خود را آماده کنیم و زندگی خود را با دستورات حضرت بهاء‌الله مطابقت دهیم. فقط در آنصورت است که کلام ما جاذب قلوب خواهد بود.

حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم برای هم‌آهنگ ساختن فعالیت بهائیان جهان نقشه‌های مختلف تبلیغی طرح نموده‌اند. این نقشه‌ها که تحت عنوان نقشه‌های سه ساله، هفت ساله و غیره به احباء داده شده تا فتح نهائی روحانی که زمین ادامه خواهد یافت. کلیه این نقشه‌ها بر اساس الواح چهارده گانه‌ایست که جانب حضرت عبدالبهاء خطاب به احبای امریکا و کانادا در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ صادر گردید و بنام فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء انتشار یافته است. الواح را به انگلیسی *The Tablets of the Divine Plan* می‌نامیم.

عصر ذهبی:

تقسیم تاریخ به کور، دور و عصر توسط حضرت ولی امرالله صورت گرفته آخرین عصر که عصر ذهبی است موقعی است که «صلح اکبر» با بلوغ عالم انسا بعرضه وجود خواهد آمد. در این عصر سرتاسر کرهٔ زمین بر طبق تعالیم و قوا کتاب اقدس اداره خواهد شد. کرهٔ زمین حکم یک وطن و ساکنان آن هم وطن یکدیگر محسوب خواهند شد. تعصبات گوناگون از میان خواهد رفت و فقر در ثروت و فقر تعادل خواهد یافت. در تمام جهان یک زبان و یک خط را خواهد شد.

توضیحات این عصر منقل است ولی با محدودیت وقت، کافی است که

نکته را گوشزد کنیم که عصر ذہبی دیانت بهائی همان دورانی است کہ کلیتہ
پیغمبران و کتب مقدسہ بہ آن بشارت دادہ و پیروانشان در انتظار آن،
روز شماری می کنند.

فصل دوم

تاریخ حیات حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله که نام اصلی ایشان میرزا حسینعلی بود در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۸۱۷ میلادی در یک خانواده ممتاز و سرشناس در طهران متولد شدند. آثار ذکاوت و هوش ذاتی از او ان کودکی از حرکات ایشان نمایان بود. برخلاف سایر فرزندان ثروتمندان، حضرت بهاءالله توجه فراوانی به نیازمندان و بیماران داشتند و بزودی بعنوان «پدر یتیمان» مشهور شدند. در هجده سالگی با آسیه خانم که دختری از خانواده نجبا و ثروتمندان آن دوره بود ازدواج کردند. در سن ۲۲ سالگی پدر خود را از دست دادند و مقام پدرشان در دربار شاه برای ایشان به ارث باقی ماند. با آن که صدراعظم وقت این مقام را بایشان پیشنهاد نمود ولی حضرت بهاءالله قبول نکرده، صدراعظم را در بهت و حیرت باقی گذاردند. بیست و هفت سال بیشتر از عمر حضرت بهاءالله نگذشته بود که ملاحسین، اولین مؤمن به امر حضرت باب پیامی از ایشان برای حضرت بهاءالله آورد و آن را از طریق شخصی به نام ملا محمد معلم بحضورشان فرستاد.

حضرت بهاء الله با دریافت این پیام دیانت حضرت باب را قبول کرده و جزو برجسته ترین مؤمنین که به بایی ملقب بودند محسوب شدند. چهار سال پس از آن در سال ۱۸۴۸ هنگامی که حضرت باب در زندان چهریق بسر می بردند حضرت بهاء الله در محلی بیلاقی بنام بدشت مجمعی از بایان برای ملاقات و مذاکره ترتیب دادند. از جمله شرکت کنندگان در این مجمع طاهره و قدوس بودند. در طی این مجمع که با شرکت هشتاد و یک نفر بایی برگزار شد حضرت بهاء الله به هریک از آنان لقب جدیدی عطا فرموده برای خود لقب بهاء را برگزیدند. القاب طاهره و قدوس را نیز در آنوقت عطا فرمودند. بعد از آن بایان حضرت بهاء الله را جناب بهاء خطاب می کردند. مجمع بدشت تغییرات کلی در حدود و قوانین قدیمی دین اسلام بعمل آورد و شروع عصر جدید را اعلان کرد. این تغییرات سبب وحشت و اضطراب چند نفر بایی که دیانت حضرت باب را بعنوان شبهه ای از دیانت اسلام قبول کرده بودند گردید. از حاضرین در مجمع بدشت فقط قدوس و طاهره به واقعیت و عظمت مقام حضرت بهاء الله پی برده بودند. ملاحسین بعللی نتوانست در این مجمع شرکت کند ولی او هم از مقام حقیقی حضرت بهاء الله آگاه بود. حضرت باب و حضرت بهاء الله هیچگاه، ظاهراً با یکدیگر ملاقات نفرمودند.

در طول مدتی که حضرت بهاء الله برای خدمت و تبلیغ دیانت بایی قیام فرمودند سه بار زندانی و یک بار به فلک بسته شده چوبکاری شدند. اقبال هزاران نفر به امر حضرت باب مراجع دولتی و مذهبی را نگران و مضطرب ساخت. برای حل این مسئله فکر کردند که با قوی ترین شکنجه و کشتار بایی ها شاید بتوانند مسلمانان را چشم ترسیده کنند. در حدود بیست هزار نفر به این ترتیب به شهادت رسیدند و بالاخره در سال ۱۸۵۰ حضرت باب را به جوخه آتش سپردند.

دو سال بعد از شهادت حضرت باب سه جوان نادان و کینه جو که پیرو آن

حضرت بودند بمنظور انتقامجویی شهادت آن حضرت و ظلم و بی‌رحمی، قصه جان ناصرالدينشاه را کردند ولی در انجام منظور خود موفق نشدند. در نتیجه این سوء قصد کلیه کسانی را که بنام بابی شهرت یافته بودند بخصوص افراد برجسته مثل حضرت بهاءالله را دستگیر کرده بزندان افکندند.

آن حضرت را با سی نفر دیگر از بابیان مشهور در زندان سیاهچال زندان کردند. سیاهچال دخمه‌ای مرطوب، تاریک و متعفن در زیرزمین بود و اشیا خورشید هرگز به آنجا راه نداشت. صد و پنجاه نفر از زندانیان سیاهچال اکثراً خطرناک‌ترین سارقین و جانی‌ها بشمار می‌رفتند. در این دخمه تیره و تاریک که وحی الهی در عالم رؤیا بر حضرت بهاءالله نازل شد. قتل و کشتار بابیان شدت ادامه داشت. در زندان سیاهچال هر روز یکی از بابیها را صدا زده او بدست جلاد می‌سپردند. حتی مردم عادی جلاد وحشی شده، بابیها را با آلا کار خود شکنجه داده بقتل می‌رساندند. در این طوفان بلا بالاخره بیگنا حضرت بهاءالله ثابت شد و توانستند از زندان سیاهچال رهایی یابند. آن حضرت چهار ماه در آن زندان بسر بردند ولی بالاخره در دسامبر ۱۸۵۲ آزاد و به بغداد واقع در کشور عراق که در آن زمان تحت اداره حکومت عثمانی قرار داشت تبعید شدند. بعد از آزادی از سیاهچال بعلت بیماری حصبه و عفونت زخم زالوهای سیاهچال، بدن ایشان ضعیف بود و قادر به آن سفر طویل در راه زمستان نبودند. پدرخواست خانواده مبارک، دولت موافقت کرد که برای تابستان یکماه به آن حضرت فرصت بدهند. پس از انقضای این مدت، حضرت بهاءالله در حالی که هنوز دوره نقاهت را طی می‌کردند بهمراه عائله، سفر سخته طاقت‌فرسای خود را بسوی بغداد آغاز نمودند. بعلت کمبود پول و عدم فراهم تأمین وسایل لازمه بر علیه سرمای کشنده زمستان و عبور از قله مرتفع و پود از برف میسر نبود.

یکسال پس از ورود به بغداد نابرداری حضرت بهاءالله بخاطر حسادت

سبت به آن حضرت داشت آتش اختلاف و نفاق را برافروخت. حضرت بهاءالله خاطر حفظ جامعه بایی از بلای نفاق و دودستگی تصمیم به سفر گرفتند و روزی دون خبر بغداد را ترک نموده عازم کوه‌های سلیمانیه شدند که بمفاصله ۳۲۰ کیلومتر در شمال شرقی بغداد واقع است. مدت دو سال در آن کوه‌ها در انزوا بسر بردند و هیچکس از محل ایشان اطلاعی نداشت ولی عائله مبارکه پس از جستجوهای فراوان بالاخره محل انزوی ایشان را یافتند. حضرت بهاءالله در مقابل استعدا و خواهش فراوان افراد خوانواده و دوستان به بغداد مراجعت فرمودند. مدت اقامت آن حضرت در عراق رویهمرفته ده سال بطول انجامید که دو سال آن را در انزوا بسر بردند. در ایام بغداد مداوماً هدف مخالفت و دشمنی قنسول ایران و علماء و روحانیون قرار داشتند. با آن که مخالفین قصد هلاکت و نابودی ایشان را داشتند ولی هیچگاه به منظور خود موفق نشدند.

پس از چندی فرمان تبعید ایشان صادر شد. این بار از بغداد به استانبول پایتخت دولت عثمانی. در آوریل سال ۱۸۶۳ در آخرین روزهای اقامت در بغداد حضرت بهاءالله به باغ رضوان که در خارج از شهر بغداد واقع است تشریف برده در آنجا مأموریت خود را علناً اظهار فرمودند. در این اظهار امر علناً و واضحاً اعلان فرمودند که ایشان همان موعودی هستند که حضرت باب و کلیه پیغمبران گذشته به ظهورش بشارت داده‌اند. به عبارت دیگر ایشان مظهر کلی الهی هستند.

چهار ماه پس از ورود باستانبول فرمان دیگری مبنی بر تبعید مجدد ایشان از استانبول به شهر ادرنه که در دورترین نقطه امپراطوری عثمانی و شرقی‌ترین محل قاره اروپا واقع است صادر شد. این فرمان‌ها برای تبعیدهای پی‌درپی مخصوصاً بنا بدرخواست و اصرار سفیر ایران صادر می‌شدند.

یکسال پس از ورود به ادرنه حضرت بهاءالله در نتیجه نوطه نابرداری سخت مسموم شدند بنحوی که امیدی به بهبودی ایشان نبود. پزشک معالج دکتر

شیشمان که بعد از معاینه ایشان گفت نه درمانی است و نه امیدی، جان خود را فدای شفای مبارک نمود و بدین ترتیب بعد از یک ماه حضرت بهاءالله شفا یافتند ولی اثر آن سم مهلک تا آخر حیات مبارک بصورت لرزش دستهایش باقی ماند.

در مدت پنجسال اقامت در ادرنه حضرت بهاءالله پیام آسمانی خود را بصورت لوح و نامه به اطلاع بلوک و زمامداران وقت و نیز رهبران مذهبی جهان رساندند و به آنها گوشزد فرمودند که اگر به این پیام الهی توجه نکنند قدرت شوکت خود را از دست خواهند داد. اکثریت آنها که به این اندرز توجه نکردند بر طبق پیشگویی مبارک از اریکه قدرت بخاک افتادند بجز ملکه ویکتوریا در جواب گفت «اگر این امر از خداست دوام خواهد یافت و اگر نیست آسیبی نخواهد رساند.»

آخرین فرمان نفی و تبعید حضرت بهاءالله بمنظور نابودی آن حضرت و میان بردن امر مقدس صادر شد. به این منظور حضرت بهاءالله را به قلعه عکا به زندان باستیل دولت عثمانی مشهور بود تبعید کردند. این تبعید در سال ۱۶۸ صورت گرفت ولی آن حضرت برخلاف انتظار و امید دشمنانشان ۲۴ سال باقیمانده عمرشان را در عکا بسر بردند. بیشترین آثار مبارک در این مدت قلمشان نازل شد. در ابتدا فرمان حکومت بر آن بود که حضرت بهاءالله را حبس مجرد و در پشت میله‌های آهنی محبوس کنند ولی بمرور زمان از شدت سختگیری‌ها کاسته شد و آن حضرت را به خانه‌های کوچک در داخل دیه شهر عکا منتقل نمودند. در یکی از این خانه‌ها به اسم بیت عبود بود که تابستان ۱۸۷۳ کتاب مقدس دیانت بهائی بنام کتاب اقدس نازل شد. رفته رفته شدت دشمنی‌ها و محدودیت‌ها کاسته شد و به آن حضرت اجازه داده شد که دروازه شهر عکا خارج شوند. حضرت بهاءالله دو سال را در مزرعه و ۱۲ آخر ایام حیات را در قصر بهجی اقامت فرمودند. شخصی که این قصر را

خود و فامیلش ساخته بود بعلت بروز مرض وبا آن را ترک کرده به شهر عکا
راجعت کرد. در مدت اقامت در قصر بهجی بهائیان به آسانی می توانستند
بحضور مبارک مشرف بشوند و هزاران نفر از آنان پیام مقدس حضرت بهاءالله
را چه در داخل ایران و چه در کشورهای هم جوار بگوش مردم رساندند.

صعود حضرت بهاءالله در تاریخ ۲۹ می ۱۸۹۲ واقع شد. رمس مطهر آن
حضرت در همان روز در اطاقی که مجاور قصر بهجی می باشد به آرامش ابدی
سپرده شد. این مکان که بنام روضه مبارکه مشهور است قبله گاه بهائیان دنیا و
برایشان مقدس ترین مکان در روی زمین است.

قبل از مطالعه مختصر آثار حضرت بهاءالله بموقع است که نام و بعضی از
القاب حضرت بهاءالله برای شنوندگان عزیز ذکر شوند.

نام مبارک میرزا حسینعلی و القابشان جمال مبارک، جمال قدم و جمال
ایهامت.

آثار حضرت بهاءالله چه نازل از قلم آن حضرت و چه آنهایی که توسط
منشی های ایشان ثبت شده رو بهمرفته به پانزده هزار می رسد. بعضی از این آثار
بصورت کتاب هائی مانند کتاب اقدس، کتاب ایقان و رساله ابن ذئب بوده و بقیه
بصورت لوح و یا نامه نازل شده اند. صورت اصل کلیه این آثار مبارک در
دارالآثار بین المللی واقع در حیفا محافظه می شوند. آثار مهمی که در ایام اقامت
حضرتش در بغداد نازل شده اند عبارتند از کلمات مکنونه، هفت وادی، چهار
وادی و کتاب ایقان. در ایام اقامت در ادرنه و سپس در عکا الواحی خطاب به
پادشاهان و زمامداران مذهبی از قلم آن حضرت نازل شد. از جمله الواح مهمی
که در عکا پس از نزول کتاب اقدس نازل شده و بعنوان متمم آن کتاب بشمار
می روند می توان از الواح بشارات، اشراقات، تجلیات، طرازات، کلمات
فردوسیه، لوح حکمت، لوح اقدس که خطاب به مسیحیان جهان است. لوح
مقصود و لوح دنیا را نام برد.

آثار حضرت بهاء الله با همه عظمت و جلال خود با سرعتی عجیب و بدو اینکه هیچ یک از کلمات آن احتیاج به تغییر و تبدیل داشته باشند نازل شده، یا قلم مبارک بروی کاغذ می آمد و یا توسط منشی نوشته می شد. در صورت منشی بعد از چند روز حضرت بهاء الله منشی خود را احضار فرموده عین آیات نازله چه یک صفحه و چه چندین صفحه تکرار می فرمودند تا منشی بتواند اشتباه قلم افتادگی نوشته هایش را تصحیح کند. آنوقت جمال ابهی با مهر خود آن لو را زینت می بخشیدند. آثار حضرت بهاء الله به زبان فارسی در حد اعلای زیبایی فصاحت نازل شده اند. آثار عربی آن حضرت نیز در نهایت بلاغت و کمال دیا می شوند و این در حالی است که حضرت بهاء الله زبان عربی را تحصیل نکر بودند. وصیثنامه حضرت بهاء الله بنام کتاب عهدی مشهور است که ۹ روز پس صعودشان باز شد و متن آن واضحاً حضرت عبدالبهاء را جانشین و مرکز حضرت بهاء الله معین کرد.

فصل سوم

تعالیم روحانی

قبل از اینکه مطالب مختلفه را تحت این عنوان بررسی کنیم لازم است بدانیم که حضرت ولی امرالله فرموده اند «حقایقی را که پیغمبران نازل می نمایند قطعی و تمام نیستند بلکه نسبی هستند»^۱ یعنی باندازه درک و فهم محدود بشر وقت نازل می شوند.

ماهیت خداوند:

بشر همواره به قدرتی مافوق خود ایمان داشته و در هر زمانی این قدرت را بنام معینی می شناخته است. نام هائی از قبیل خدا، یهوه، اهورامزدا، الله و گاد

۱ - کتاب نظم اداری: الر حضرت ولی امرالله به انگلیسی، ص ۱۸۵

همگی مُعرفِ یک خدای بی همتا که خالق جهان است می باشد. ذات خداوند برای همه پیامبران و مخلوقات پوشیده است ولی چون پیامبران مانند آئینه های پاک و مصفا هستند صفات خداوند را در خود منعکس می سازند. فقط از طریق شناسائی پیامبران و صفات آنان مانند عدالت، رحمت، محبت و بخشایش است که بشر قادر می شود خدا را بشناسد. همه پیامبران الهی این نکته را گوشزد نموده اند که انسان بصورت و مثال خداوند خلق شده است. حضرت بهاء الله می فرمایند که گرچه شناسائی خدا برای انسان مشکل است ولی خداوند ا شاهرگ حیات به انسان نزدیک تر است.

مقام پیامبران:

پیامبران، مظاهر عهد الهی در بین نوع بشر بوده نشان آن هستند که خداوند هرگز نوع انسان را بدون راهنما نخواهد گذاشت. اگر خداوند را مانند خورشید تصور کنیم آنگاه روح انسانی مانند آینه ایست که انوار خورشید را خواهد توانست در خود منعکس کند. هر قدر این آینه تمیزتر و شفاف تر باشد جلوه نور آفتاب در آن شدیدتر و درخشان تر خواهد بود. مظاهر الهی، شفاف و صاف تر آینه هائی هستند که نور خورشید را به حداکثر در خود منعکس می سازند. آنچه را که ما خدا می خوانیم آن ذات الهی نبوده بلکه آنست که پیامبران به آموخته اند، یعنی صفات خدا. روح انسان در آغاز حیات جنینی خلق می شود ولی روح پیامبران نه آغاز دارد و نه انتها و به این جهت از حقایق و وقایع گذشته و آینده اطلاع دارند. آن ذات های مقدسه از لحاظ جسمانی مانند انسان بوده همگی بندگان خداوند بشمار می روند ولی در موقع نزول آیات سخنگوی شده بوده بمراتب برتر از انسان هستند. مقام روحانی همگی پیامبران یکسان است و تعالیمی که به بشر ارائه می دهند بعلت درک و فهم انسان در آن دوره تیار

متفاوت است.

وحدت ادیان:

اکثر مردم عقیده دارند که همه ادیان غلط و نادرستند بجز دین خودشان. حضرت بهاءالله می فرماید که اساس و پایه دین خداوند یکی است ولی پیامبران مختلف زمان به زمان آن را به مردم آموخته اند. چرا باید پیامبران متعدد باشند؟ وقتی پیامبری از طرف خدا مبعوث می شود تعالیمی را که به عالم بشریت ارائه می دهد کاملاً صاف و عاری از هرگونه آلودگی است. به مرور زمان غبار اوهام و تصورات بشری روی آینه را کدر کرده چنان تیره و تار می سازد که حقیقت تعالیم گم می شود. بدین سبب ظهور جدیدی از جانب خداوند در بین بشر ظاهر می گردد.

هریک از مظاهر الهی دو نوع دستورات و تعالیم به عالم بشریت عنایت می فرمایند. تعالیم روحانی از قبیل محبت و برادری که جاودانی بوده، غیر قابل تغییر است و تعالیم اجتماعی که بر طبق احتیاج و ظرفیت نوع بشر در آن دوره از تاریخ صادر می شود. ولی با گذشت زمان توسط پیامبر بعدی تغییر خواهد یافت و از این نظر این تعالیم با هم اختلاف دارند. پیامبران الهی آنچه را که می دانند نمی گویند بلکه آنچه را که قابل فهم و درک مردم آن روز است ارائه می دهند.

وظایف دوگانه انسان:

در ابتدای کتاب اقدس حضرت بهاءالله می فرماید که اول وظیفه هر فرد شناسائی مظهر حق است و سپس اطاعت از دستورات او. انجام هیچیک از این

دو بدون دیگری قابل قبول نیست. در ادیان قبل فقط شناسائی مظهر الهی کافی بود ولی از این نظر تعالیم حضرت بهاءالله تفاوت دارد. ناگفته نماند که بعضی عقیده دارند که فقط انجام عمل خوب کافی است و احتیاجی به شناسائی پیامبر نیست. اینهم با تعالیم بهائی مغایرت دارد.

برای اطاعت و اجرای دستورات مبارک، جمال قدم در کتاب اقدس می‌فرمایند *اعملو حدودی حُباً لجمالی* یعنی تعالیم مرا بخاطر عشق و محبتی که بمن دارید انجام بدهید. تعالیم حضرت بهاءالله بجای آن که انسا را محدود به حدودی نماید او را از هر قید و بندی آزاد می‌سازد. سر آن تسلیم رضا به اراده الهی است.

باید خاطر نشان بشود که اگر در موقع مطالعه آثار به مطلبی برخوردید که قبولش برای شما سخت بنظر بیاید، اعتراض نکرده محدودیت فهم خود فراموش نکنید. چه بسا که با مطالعه و تعمق بیشتر مفهوم مطلب واضح و روش می‌شود. بعبارت دیگر باید به علم و حکمت الهی اطمینان داشت.

تخری حقیقت:

معنای ساده این عنوان، جستجوی آزادانه بدنیاال حقیقت است. در گذشته اساس ایمان و اعتقاد مردم وابستگی به اعتقادات پدر و مادر، دوستان و روحانیون داشت و به همین علت عقاید دینی کورکورانه و بدون هیچ سوال گفتگو در ذهن افراد جایگزین می‌شد. حضرت بهاءالله تأکید می‌فرمایند که نفسی باید بدون آنکه تحت تأثیر افکار و عقاید سایرین قرار گیرد شناخت حقیقت را جستجو کرده به نتیجه برسد. شرط به نتیجه رسیدن شجاعت، انقطاع آزادی از هرگونه تعصب است. انقطاع یعنی خود را آزاد کردن از عشق و علاقه ازجار و بستگی داشتن به اموری مانند علم و دانش و ثروت و مال است. تا

کورکورانه که از قدیم در هر جامعه‌ای رایج بوده، همواره سبب نفاق و جدائی و سوء تفاهم بین افراد بشر می‌شده است. حقیقت حقّ یکی است، از هر طرف که آزادانه آن را جستجو کنیم به شاهراهش راهنمایی خواهیم شد.

فداکاری:

فداکاری نشانه عشق است. پیامبران الهی بخاطر عشقی که به عالم انسانی داشتند راحتی و زندگی خود را فدا نمودند. بر هر فرد بهائی واجب است که برای شناختن حضرت بهاءالله سعی کامل کند زیرا هر قدر او را بهتر و بیشتر بشناسیم محبت او در قلب ما شدیدتر شده ما را برای اطاعت از او آماده می‌سازد. مفهوم فداکاری فقط فدا کردن جان نیست بلکه فدا کردن خواسته‌ها و هوس‌های شخصی، اثمار وقت و نیرو و تبرّع مال نیز فداکاری محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر زندگی کردن بر طبق تعالیم دیانت بهائی، خدمت و تبلیغ می‌توانند نشانه‌ای از عشق و محبت یک مؤمن به حضرت بهاءالله باشند. عدم اعتنا به موارد ذکر شده سبب سردی و دورافتادگی می‌شود.

تلاوت و مطالعه آثار حضرت بهاءالله:

یکی از تعالیم حضرت بهاءالله آنست که آیات و کلماتشان را هر صبح و شام تلاوت نمائیم. این تلاوت باید با نهایت توجه و تفکر انجام گیرد و به اندازه‌ای باشد که سبب خستگی و ملال نگردد. زیارت و تلاوت مناجات‌های نازله از قلم حضرت اعلی، حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله دارای اثر و قدرت مخصوص است. ادعیه نازله برای تضرّع و تبّتل به بارگاه الهی است ولی الواح مبارکه آنانند که

حضرت بهاءالله به بندگانشان خطاب کرده‌اند.

مطالعه آثار به منظور ازدیاد معلومات و تقویت ایمان شخص است. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: «خود را در دریای بیان من غرق نمائید تا به جواهرات حکمت و اسراری را که در آنها نهفته است دست یابید.»^۱

دعا و مناجات، تلاوت و مطالعه آثار الهی هنگامی پسندیده است که با عمل توأم باشد. هر فرد مجاز است که با مطالعه آثار نتایج شخصی بدست آورد مشروط بر اینکه این نتایج با تفسیر حضرت عبداله‌بهاء و حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت‌العدل اعظم مخالفت و منافیتی نداشته باشد. باید مراقب بود که به هیچوجه این نتایج شخصی را به سایرین تحمیل نکرد و سبب اختلاف و مجادله نشد. حضرت بهاءالله مناظره و مجادله را که در ادیان قبل مرسوم بود و نتیجه آن اختلاف و انشقاق می‌شد از میان برداشته‌اند و تأکید می‌فرمایند که در موقع مجادله و مناظره در هر موردی، هر دو طرف در اشتباه هستند.

کار به منزله عبادت:

در دیانت بهائی کاری که در نهایت خلوص و بمنزله خدمت انجام پذیرد عبادت محسوب می‌شود و شغل انسان از دین او جدا نیست. اشتغال بکار، امر شده، بیکاری و تنبلی را نهی فرموده‌اند. در باره شغل‌هایی که دستمزدی برای آن مقرر نشده مانند کار خانه‌داری، دستخطی از بیت‌العدل اعظم موجود است که طی آن می‌فرمایند: «لاشغلی خانه‌داری یکی از شریفترین و پُرمسئولیت‌ترین

۱ - مضمون بیان مبارک از کتاب «منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله» اتکلیبی شماره ۷۰.

مشغله‌هاست که دارای اهمیت حیاتی در عالم بشریت می‌باشد^۱. هرکس که قدرت بدنی دارد باید کار کند و هرکس باید کار خود را در نهایت صمیمیت انجام دهد زیرا بمنزله عبادت است. با در نظر گرفتن و اجرای این نکات شک نیست که وضع دنیا خیلی بهتر خواهد شد.

زندگی پس از مرگ:

در هنگام مرگ جسم، روح باقی و برقرار می‌ماند. جسم انسان بمنزله آئینه است و ارتباط روح با آن مانند انعکاس آفتاب در آئینه. با شکستن آئینه نور بجای خود باقی است. در ایام زندگی، بدن بصورت میزبانی برای رشد و تقویت روح می‌باشد تا آن را برای ورود در جهان بعد آماده نماید. بهمان صورت که رحم مادر محلی برای رشد و نمو جنین است تا در آنجا اعضای بدن خود را کامل سازد، بدن نیز برای روح همان وظیفه را انجام می‌دهد. در حالی که جنین از چگونگی این جهان اطلاعی ندارد ولی خداوند از راه لطف و مرحمت خود با فرستادن پیامبران زندگی ابدی را برای ما توضیح می‌دهد.

روح انسان پس از مرگ بدون آنکه قفس جسم مانع آن باشد به آزادی در عوالم الهی پرواز آمده به پیشرفت خود ادامه می‌دهد. این تعلیم بهائی عقیده‌ای را که می‌گوید روح در سیر تکاملی خود چندین بار در جسم دیگری حلول می‌کند، بکلی رد می‌نماید. دعا و خیرات در حق درگذشتگان به ترقی و تعالی ارواح آنان کمک می‌کند.

۱ - جمع آوری دایره تحقیق بیت‌العدل اعظم تحت عنوان «دنان»، شماره ۳۷.

فصل چهارم

تعالیم اجتماعی

باگذشت زمان، دنیای امروز احتیاج خود را به تعالیم دیانت بهائی که پیش از یک قرن پیش ظاهر شده احساس می‌کند.

وحدت عالم انسانی:

حضرت بهاءالله که معلم الهی برای دنیای امروز یعنی دورهٔ بلوغ عالم بشریت هستند، وحدت عالم انسانی را، محور اصلی برای تعالیم اجتماعی این دیانت قرار داده‌اند. این وحدت شامل معانی مختلف است.

اول آنکه، کلیهٔ انسان‌های جهان عضوی از خانواده بشری بوده و توسط یک خداوند که همهٔ آنها را به یک اندازه دوست دارد خلق شده‌اند. دیگر آنکه هر انسان چه مرد، چه زن، چه سیاه و چه سفید، دارای روحی است که قادر است به میزان ظرفیت خود تا اندازه‌ای کمالات و صفات خداوند را در خود منعکس سازد. سومین معنی اینست که ما باید انتظار خدای یکتا را از خلق بشر دریافته

برای بوجود آوردن اتحاد بین بشر بکوشیم تا فقر و گرسنگی، جنگ و فلاکت ریشه کن شوند و ملکوت الهی در روی زمین استقرار یابد.

اهمیت خانواده:

امروز مردم افکار و برداشت‌های مختلفی در باره هدف و اهمیت خانواده دارند. حضرت بهاءالله می‌فرماید که خانواده اساس کلی و محور اصلی اجتماع را تشکیل می‌دهد. اگر جامعه‌ای دارای خانواده‌های سالم، متحد و روحانی نباشد، آن جامعه از سلامت برخوردار نیست.

زندگی خانواده از بهم پیوستن یک زن و یک مرد بوجود می‌آید. هدف اصلی ازدواج تولد و تربیت اطفال است. حضرت بهاءالله می‌فرماید: «ای قوم، ازدواج کنید تا از شما افرادی ظاهر شوند و مرا در بین بستندگان ذکر نمایند.»^۱

تربیت و تحصیل اطفال از مهم‌ترین وظایف والدین است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «هرکس در این وظیفه غفلت کند در بارگاه خدا مسئول خواهد بود.»^۲

ترک تعصبات:

تعصب یعنی آنکه کسی قبل از دانستن حقیقتِ مطلبی در باره آن قضاوت

۱ - مضمون فارسی آیه ۶۳ در کتاب اقدس.

۲ - مضمون فارسی از منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء، ص ۱۲۷ انکلیسی.

کند. بدتر از آن شخصی است که با وجود واضح شدن حقیقتِ مطلب، از قبول آن خودداری کند. تعصب در موارد مختلفی مثل جنسیت، نژاد، ملیت، دین، ثروت و فقر نشان داده می‌شود. احساس تعصب اغلب زائیدهٔ جهالت و ترس است. این دو عامل باعث می‌شوند که شخص برای محافظت خود، دیواری از تعصب در اطراف خود بکشد و متأسفانه چنین دیوارها عامل اصلی ظلم و بی‌عدالتی شده‌اند. تعصبات دینی و نژادی همیشه سبب جنگ و خونریزی بوده و خواهند بود مگر آنکه عالم انسانی از خواب غفلت بیدار شده به تعالیم حضرت بهاءالله توجه سازد، چه که می‌فرمایند: «بدانید چرا شما را از خاک آفریدیم تا هیچیک از شما بر دیگری تکبر و تفاخر ننماید.»^۱ و نیز می‌فرمایند: «با پیروان سایر ادیان در کمال روح و ریحان معاشرت کنید.»^۲ جلسات بهائی بهترین نمونهٔ وحدت در کثرت هستند.

تطابق علم و دین:

در این جهان دو قدرت عظیم وجود دارند یکی علم و دیگری دین است هر یک از این دو شاهرهای بسوی حقیقت بوده سبب ترقی عالم انسان می‌شوند حضرت بهاءالله می‌فرماید علم واقعی و دین حقیقی با یکدیگر مطابقت کامل دارند و چون حقیقت یکی است نمی‌توانند با هم مغایرت داشته باشند. اگر مواردی این نوافق و تطابق دیده نشود بعلت آنست که انسان هنوز به حقیقت آر مطلب کاملاً پی نبرده است و باز می‌فرمایند که اگر عقاید دینی با حقایق علمی

۱ - مضمون فارسی از کلمات مکتونه عربی، شماره ۶۸.

۲ - مضمون فارسی از «منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله»، شماره ۳۳.

عقلی توافق نداشته باشد آن عقاید خرافات است و اگر کشفیات علمی اصول اخلاقی و روحانی را نادیده بگیرد سبب ویرانی عالم خواهد شد.

ممکن است بعضی از تعلیمات بهائی برای فردی واضح نبوده قبولش دچار اشکال گردد. در چنین موردی باید به حکمت و معرفت الهی اطمینان ورزیده، این بیان حضرت بهاءالله را در کتاب اقدس فراموش نکنیم. می فرماید: «کتاب الهی را با موازین معمول و علمی که در بیتان رایج است ارزشیابی نکنید زیرا این کتاب خود، میزانی مصون از خطاست که بین مردم ظاهر شده است.»

صلح جهانی:

حضرت بهاءالله بر طبق پیشگویی های ادیان قبل نقشه الهی را برای بوجود آوردن صلح جهانی به عالم انسان هدیه فرموده اند. می فرماید صلح جهانی در دو مرحله بوجود خواهد آمد. ابتدا دوره صلح اصغر خواهد بود که در طی آن جنگ ها و خونریزی ها پایان خواهد رسید و حکومت های جهان در امور سیاسی با هم متحد خواهند شد. در این مرحله جهان مانند جسدی فاقد از روح خواهد بود. هنگامی که بهائیان جهان نفس حیات را که عبارت از عشق حضرت بهاءالله است بر آن بدمند، آنگاه از خواب غفلت بیدار شده دوره صلح اکبر و یا عصر طلایی آغاز خواهد شد. در آن موقع است که جهان از لحاظ سیاسی، اقتصادی و روحانی متحد خواهد شد. هرکدام از ما با بعمل گذاردن تعالیم حضرت بهاءالله در زندگی خود می توانیم سهم خود را در استقرار صلح جهانی ادا کنیم.

تعلیم و تربیت عمومی:

آموزش و تعلیم خواندن و نوشتن مهم ترین عاملی است که انسان را به تحقیق و جستجو درباره حقیقت قادر می سازد و در نتیجه از احتیاج به کمک و راهنمایی سایرین رهائی می دهد. البته این به آن معنا نیست که مردم نباید با یکدیگر مطالعه و مشاوره کنند. چون تعلیم و تربیت عامل مهمی در ترقی افراد و پیشرفت اجتماع بشمار می رود تحصیل علوم باید با تربیت اخلاقی و روحانی همراه باشد. پدر و مادر مسئول تعلیم و تربیت اطفالشان هستند ولی اگر معلمی قادر به انجام این امر نباشند جامعه باید مسئولیت آن را بعهده گیرد. حضرت بهاء الله می فرمایند: «انسان را بمشابه معدن که دارای احجار کربیمه است مشاهده نما، به تربیت، جواهر آن بعرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد.»^۱

تساوی حقوق مرد و زن:

در قرن گذشته حضرت بهاء الله قانون رابج در جهان را که بر طبق آن محرومیت زنان از خیلی چیزها بخصوص تعلیم و تحصیل معمول بود از میان برداشتند. با محرومیت از حق، زنان همواره در سطح پائین تر از مردان قرار می گرفتند. بر طبق تعالیم بهائی مرد و زن در نظر خداوند یکسان هستند. دستخطی از بیت العدل اعظم چنین آمده است: «تساوی مرد و زن با تأییدها زیست شناسی آن نیست که مرد و زن یک نوع انجام وظیفه کنند و از این

۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۱۲۲.

جهت ممکن نیست.»^۱

در مورد کسب تعلیم و تربیت در دیانت بهائی زنان ارجحیت دارند زیرا آنان مسئول تربیت نسل آینده بشمار می‌روند. در مورد عضویت بیت‌العدل اعظم حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: «برطبق لوحی که از حضرت عبدالبهاء موجود است عضویت بیت‌العدل اعظم منحصر به مردان است و حکمت آن در آینده معلوم خواهد گردید. ولی در مورد عضویت در محافل محلی و ملی زنان مانند مردان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند. احباء باید با اطمینان و اتکاء به ایمان قوی خود آن را بپذیرند. حکمت الهی در این امر کم کم برای جهانیان آشکار خواهد شد.»^۲

حلّ روحانی مسائل اقتصادی:

افراط در ثروت و فقر که امروز دیده می‌شود عادلانه نیست. حضرت بهاءالله در کتاب کلمات مکتونه می‌فرمایند: «شریفترین و عزیزترین صفات در نزد من عدل و انصاف است. اگر مرا می‌خواهی از آن دور نشو.»^۳

ساده‌ترین راه حل مسائل اقتصادی تقلیب قلوب است. وقتی که قلب انسان به عدالت و انصاف رو کند و وقتی که کارگر کار خود را بمنزله عبادت انجام دهد مجادله و اعتصاب از بین خواهد رفت. در هر حال کارگر و کارفرما باید با همدیگر مشاوره و همکاری کنند. کارگران باید در منافع کارخانه شریک و

۱ - جمع آوری دایرة تحقیق بیت‌العدل اعظم تحت عنوان «زنان»، شماره ۳۰ (انگلیسی).

۲ - جمع آوری دایرة تحقیق بیت‌العدل اعظم تحت عنوان «زنان»، شماره ۳۰ (انگلیسی).

۳ - مضمون فارسی کلمات مکتونه عربی، شماره ۲.

سهیم باشند. اگرچه تساوی کامل اقتصادی ممکن نیست ولی جنبه افراطی آن باید از میان برداشته شود. در سراسر جهان حرص و طمع باید جای خود را به همکاری و تشریک مساعی در بهره برداری از جمیع منابع و معادن جهان بدهد.

زبان بین المللی:

این دستور حضرت بهاء الله که بیش از صد سال پیش صادر شد مهمترین وسیله تفاهم و هم آهنگی بین مردم جهان را تشکیل می دهد. بر طبق این تعلیم الهی باید یا از بین زبان های مختلف یک زبان را انتخاب کرد و یا زبانی تازه را ایجاد کرد و آن را در مدارس دنیا تعلیم بدهند. ایجاد خط و زبان بین المللی در دو مرحله اجراء خواهد شد. در مرحله اول این زبان و خط علاوه بر زبان مادری به اطفال جهان تعلیم خواهد شد. مرحله دوم که در آینده دوری است هنگامی است که در تمام جهان فقط یک خط و زبان رایج گردد.

فصل پنجم

قوانین بهائی

بعضی از قوانین بهائی در ادیان بزرگ گذشته دیده شده و بعضی از آنها جدید هستند. بمرور زمان که شرایط اجتماعی در جهان عوض می‌شود و عالم انسانی بدوره بلوغ خود نزدیک می‌گردد باید قوانین جدیدی وضع شوند. حضرت بهاءالله به بیت‌العدل اعظم اجازه و اختیار تام داده‌اند که قوانین لازمه جدید و آنچه را که از قلم حضرت بهاءالله نازل نشده وضع کنند. بیت‌العدل مجاز است که قوانینی را که خود وضع نموده لغو کرده و یا تغییر دهد ولی به هیچوجه نمی‌تواند در قوانین حضرت بهاءالله تغییری دهد یا در جایش قانون دیگری وضع کند.

قوانین بهائی بر دو نوع است. قوانینی مانند نماز و روزه مسئولیتی شخصی بوده بنا به درجه تعلق و محبت شخص نسبت به حضرت بهاءالله انجام می‌گیرند و هیچکس یا هیچ مؤسسه‌ای حق نظارت و مداخله در آن را ندارند. قوانین دیگر از قبیل ازدواج و طلاق در تحت نظر تشکیلات بهائی بمورد اجراء گذاشته می‌شود.

کتاب اقدس که ضروری ترین کتاب در هر خانواده بهائی است در سال ۱۸۷۳ به زبان عربی از قلم حضرت بهاء الله نازل شده است و ترجمه انگلیسی آن که سرچشمه ترجمه به زبانهای مختلف خواهد شد در سال ۱۹۹۳ انتشار یافت. بسیاری از قوانین این کتاب مقدس شامل حال احبای ایرانی می گردد. در مغرب زمین هنوز آمادگی اجرای بعضی از این قوانین وجود ندارد، بمرور زمان و با آمادگی روحانی احبای غرب بیت العدل اعظم قوانین بیشتری را به آنها خواهند داد. هموطنان حضرت بهاء الله که در غرب زندگی می کنند باید از قوانینی که به ایرانیان داده شده اطاعت نمایند. البته بعزت محدودیت وقت فقط بعضی از این قوانین را مورد مطالعه قرار می دهیم.

نماز:

نماز که یکی از قوانین مهم دیانت بهائی است یک وظیفه خصوصی بوده، با شرایط کامل باید اجرا شود. این شرایط عبارتند از گرفتن وضو و ایستادن بسوی قبله. قبله اهل بهاء روضه مبارکه یعنی مقام حضرت بهاء الله واقع در عکا می باشد. هر شخصی باید در شبانه روز حداقل یکی از نمازهای سه گانه را ادا کند. نماز کوچک، باید بین ظهر و غروب تلاوت شود. نماز وسطی روزی سه بار تکرار می شود که زمان آن عبارتست از هنگام طلوع آفتاب تا ظهر، از ظهر تا غروب آفتاب و بار سوم از غروب آفتاب تا دو ساعت پس از آن. نماز بزرگ را می توان در هر موقعی از شبانه روز تلاوت کرد. روزی یک بار باید الله بهی را ۹۵ دفعه تکرار کرد. وضوی نماز را می توان برای گفتن الله بهی محسوب کرد ولی اگر تکرار الله بهی در موقع دیگری گفته شود وضوی متعلق به آن باید انجام گیرد. نماز وظیفه ایست روحانی که از هنگام بلوغ در سن پانزده سالگی تا سن هفتاد سالگی برای هر فرد بهائی واجب است. برای اطلاع بیشتر در باره نماز به کتاب

روزه:

حضرت عبدالبنیاء می فرمایند که نماز و روزه سبب بیداری و هوشیاری بوده و وسیله ایست برای حفظ از امتحانات و لغزش ها. حالت روحانی شخصی که روزه می گیرد بسیار اهمیت دارد. خودداری از خوردن و نوشیدن در ایام روزه ما را یاد آور می شود که ما علاوه بر موجودیت جسمانی دارای موجودیت روحانی نیز می باشیم. ایام روزه برای پاک کردن خود از هوس ها، خودخواهی ها، تعصبات و سایر ناپاکی ها است و فرصتی به ما می دهد تا برای ارشاد و تقویت حیات روحانی خود به تفکر و اندیشه پردازیم. ایام صیام یعنی روزهای روزه در هر سال از دُوم تا بیستم ماه مارچ ادامه می یابد. در ساعات روزه که از هنگام طلوع آفتاب تا غروب آن است باید از خوردن، آشامیدن و سیگار کشیدن خودداری نمود. روزه یک فریضه روحانی برای شخص بهائی است و حکم آن از سن بلوغ تا ۷۰ سالگی است. مسافر، مریض و زنان باردار و شیرده از گرفتن روزه معاف هستند. اگر کسی بعلتی از روزه معاف است بهتر است حرمت ایام روزه را نگه داشته و در ملاء عام از خوردن و نوشیدن اجتناب کند. برای دست یافتن به جزئیات حکم روزه به کتاب اقدس مراجعه فرمائید.

حقوق الله:

حقوق الله به معنی حق خداوند می آید و با اعاناتی که داوطلبانه به صندوق های بهائی داده می شوند تفاوت کلی دارد. حقوق الله جنبه سادی یک وظیفه روحانی است که هیچکس و هیچیک از تشکیلات بهائی حق تحمیل آن

را به شخص بهائی ندارد. در این مورد حضرت بهاء الله آن را وابسته به ایمان و وجدان شخص نموده، در ضمن می فرمایند: «ای قوم به حقوق الله خیانت نکنید.» و نیز می فرمایند که پرداخت حقوق الله سبب خیر و برکت برای شخص دهنده خواهد شد. مثال این بیان مبارک درختی است که آب و غذای خود را از زمین گرفته هر سال بار ریختن برگ های خود به زمین اولاً علف های هرزه اطراف خودش را از بین می برد و دوماً این برگها بصورت کود، ریشه های درخت را تقویت می کنند. برای زمین فرقی نمی کند که درخت برگهایش را بروی آن بریزد یا نه. وقتی که ثروت خالص شخص به معادل بهای نوزده منقال طلا برسد، نوزده در صد آن را باید به امین صندوق حقوق الله تقدیم کرد تا از طریق او به بیت العدل اعظم فرستاده شود.

برای اطلاعات بیشتر در این باره لطفاً به کتاب اقدس و نیز جزوه هائی که در این خصوص تهیه شده اند مراجعه فرمائید.

ازدواج و طلاق:

ازدواج تعهدی است که بین مرد و زن بسته شده، رابطه ایست هم جسمانی و هم روحانی. ازدواج باید براساس محبت، اتفاق، دوستی و احترام متقابل استوار گردد. وحدت و وابستگی روحی طرفین پایداری ازدواج را تأمین خواهد کرد. در ازدواج بهائی فقط رد و بدل حلقه شرط نیست بلکه مهم تر از آن، رضایت کامل طرفین و پدر و مادرشان لازم است. حتی اگر یکی از طرفین بهائی نباشد اجرای این شرط ضروری است. طی مراسم عقد، عروس و داماد در حضور دو شاهد که مورد قبول یک محفل روحانی باشند، هریک جمله ای را بیان می کنند. داماد می گوید «اَنَا كَلُّ لِيَّهٖ رَاضِيُونَ» و عروس می گوید «اَنَا كَلُّ لِيَّهٖ رَاضِيَاتٌ». هر دو جمله بیک معنی بوده و مفهوم آن بفارسی چنین است: «بدرستی که ما به

اراده خداوند راضی هستیم.»

طلاق در نظر حضرت بهاءالله ناپسندیده و مکروه است ولی اگر تنفر و ناسازگاری شدید بوجود آید پس از یکسال تربص یعنی صبر کردن، محفل روحانی اجازه طلاق را صادر می‌کند. در طی این یکسال باید طرفین سعی کنند که اختلافات خود را از میان بردارند و در این یکسال به هیچوجه اجازه آشنائی و رفت و آمد با شخص جدیدی را ندارند.

منهيات ديانت بهائي:

- قوانین بهائی بمنظور بوجود آوردن نظم اجتماعی جدیدی است که طی آن آزادی شخصی و اجتماعی تضمین گشته است. اعمال نهی شده عبارتند از:
- مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر که باعث زائل شدن عقل و حواس می‌گردند، مگر آنکه به دستور طبیب تجویز شوند.
 - قمار، غیبت و افتراء.
 - داشتن روابط جنسی در خارج از حریم ازدواج و همجنس‌بازی.
 - عضویت در کلیساها و مؤسسات دینی سایر ادیان.
 - اعتراف به گناهان خود در مقابل شخص دیگر بمنظور بخشش و آمرزش.
 - اعمال جنائی از قبیل قتل، به آتش زدن و دزدی. جزای این اعمال در کتاب اقدس ذکر شده است.

وصیت نامه و مراسم تدفین:

هر بهائی موظف است وصیتنامه‌ای بنویسد. باید در آغاز آن اعتراف به حقانیت حضرت بهاءالله و ایمان خود نماید و عنوان *هوالبهی الابهی* مبنی بر

این اعتراف بوده زینت مبارکی است برای وصیت‌نامه.

اگر شخصی وصیت‌نامه نداشته باشد اموال او با اجازه قانون مملکتی بر حسب کتاب مستطاب اقدس تقسیم خواهد شد. جسد متوفی نباید سوزانده شود و محل دفن نباید بیش از یکساعت تا محل مرگ متوفی فاصله داشته باشد. این یکساعت فاصله می‌تواند از راه هوا، دریا و یا خشکی باشد.

در باره مومیائی کردن که در ممالک غرب معمول است حضرت ولی امرالله می‌فرماید: «تحت قوانین بهائی بدیهی است که جسد نباید مومیائی شود.» نماز میت تنها نمازیست در دیانت بهائی که به حالت اجتماع ادا می‌شود و قبل از دفن جسد صورت می‌گیرد. در حالی که همه حاضرین ایستاده‌اند یک نفر آن نماز را می‌خواند، اما تکرار هیچ قسمت آن توسط حاضرین لازم نیست. در باره انگشتر مخصوص و سایر مراسم تدفین لطفاً به کتاب اقدس مراجعه فرمائید.

اطاعت از حکومت:

بهائیان نقش حکومت را در نظم اجتماع قبول کرده احترام می‌گذارند. در هر کشوری که ساکن هستند باید از حکومت آن کشور اطاعت کنند مگر آنکه حکومت از آنها بخواهد که ایمان خود را به امر بهائی انکار کنند. بهائیان با هیچ‌گونه حزب سیاسی وابستگی ندارند زیرا باعث از بین رفتن اتحاد و اتفاق بین خودشان خواهد گردید. وظیفه بهائیان آن نیست که سیستم کهنه را تغییر داده از میان بردارند. بلکه مأموریتشان ساختن نظم جدیدی است که خود بخود جانشین سیستم قدیمی و از کار افتاده جهان گردد.

فصل ششم

تشکیلات بهائی

عهد و میثاق حضرت بهاء الله:

حضرت بهاء الله فرموده‌اند که هرگز پیروان خود را تنها و بدون راهنما نخواهند گذارد. متأسفانه در ادیان قبل تفسیرانی را که پیروان بعد از وفات پیامبر، از کتاب مقدس خود بعمل می‌آوردند باعث انشقاق شده فرقه‌های مختلف بوجود می‌آمدند. البته هر فرقه ادعا دارد که تنها گروهی است که حقیقت را دریافته و راه مستقیم به خدا دارد. حضرت بهاء الله می‌فرمایند عهد و پیمان مانند ریشمانی است که انسان را بخدا مربوط می‌سازد. ایشان در وصیتنامه خود به نام کتاب عهدی حضرت عبدالبنیاء را مرکز میثاق معین فرمودند. حضرت عبدالبنیاء نیز به نوبه خود نوه ارشدشان، حضرت شوقی ربانی را به ولایت امرالله تعیین فرمودند. حضرت ولی امرالله در برقراری نظم و تشکیلات بهائی شبانه روز کوشیدند و ۶ سال پس از صعودشان در سال ۱۹۶۳، در اختتام نقشه ده ساله.

اعضای بیت‌العدل اعظم با شرکت ۵۶ محفل ملی آن زمان انتخاب شدند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «بیت‌العدل اعظم در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی بوده و مصون از خطا است.»^۱ حضرت بهاء‌الله قول داده‌اند که روح مبارکشان بیت‌العدل اعظم را راهنمایی کرده و بدین جهت همواره از هر خطا مصون است و اطاعت از بیت‌العدل، اطاعت از خدا است.

بیت‌العدل اعظم:

دستور ایجاد نظم جدید بهائی بقلم حضرت بهاء‌الله نازل شد. در طول تاریخ، سیستم‌های مختلف اداری که توسط بشر بوجود آمده، تمایل زیادی به سوءاستفاده از قدرت و فساد را نشان داده‌اند. در سال ۱۸۷۳ حضرت بهاء‌الله اساس تشکیل بیت‌العدل‌های اعظم و محلی را در کتاب اقدس بنا فرمودند. یکی از بزرگ‌ترین وظائف بیت‌العدل اعظم وضع قانون است ولی اجازه ندارد که قوانین صریح کتاب اقدس را تغییر دهد. مسئولیت دیگرش جواب سوالات و حل مشکلات جامعه بهائی است. بدین ترتیب اتحاد و اتفاق بین احباب تضمین شده و پایدار خواهد ماند.

دیگر از وظائف بیت‌العدل اعظم سرپرستی محافل ملی، ترجمه و انتشار آثار مبارکه و تشکیل مرکز جهانی بهائی می‌باشد. دارالتبلیغ بین‌المللی و دایره تحقیقات که اعضای آنها از جانب بیت‌العدل منصوب می‌شوند، بیت‌العدل اعظم را در اجرای مسئولیت‌های مختلفه کمک می‌نمایند. بیت‌العدل محلی که در کتاب اقدس ذکر شده است امروزه به نام محفل روحانی محلی معروف است.

۱ - الواح وصایای حضرت عبدالبهاء: ص ۱۲ (انگلیسی).

در زیر آن عنوان بررسی خواهد شد.

محفل روحانی ملی:

تأسیس محفل ملی بدستور حضرت عبدالبهاء صورت گرفت. یکی از وظائف عمده این محافل در هر ۵ سال، انتخاب ۹ نفر اعضای بیت العدل اعظم است. اعضای محفل ملی هر کشور سالی یکبار توسط نمایندگان جامعه از سرتاسر کشور انتخاب می‌شوند. انتخابات محافل در عید رضوان که سالگرد اظهار امر حضرت بهاء الله است صورت می‌گیرد. در بعضی از نقاط جهان به تصمیم بیت العدل اعظم، بجای محفل ملی و یا بعلاوه محفل ملی، محفل روحانی ناحیه‌ای تشکیل می‌شود. از جمله مسئولیت‌های محفل ملی اداره صندوق ملی بهائی، عضویت افراد در جامعه، املاک بهائی و انتشارات است.

محفل روحانی محلی:

این محفل نزدیکترین واحد تشکیلاتی به افراد بهائی است. همانطور که ذکر شد حضرت بهاء الله در کتاب اقدس از آن بعنوان بیت العدل محلی نام می‌برند ولی فعلاً بنام محفل روحانی محلی شناخته می‌شود. از آنجائی که در دیانت بهائی طبقه کشیش و ملا وجود ندارد محافل محلی وظایفی را که در ادیان قبل این طبقه برعهده داشتند انجام می‌دهد. نه نفر اعضای این محفل مستقیماً از جانب بهائیان آن شهر انتخاب می‌شوند. حضرت عبدالبهاء در باره این محافل می‌فرماید: «از آنها چشمه حیات بهر سو جاری می‌شود. آنها منبع پیشرفت و

ترقی بشر در هر زمان و تحت هر شرایطی بشمار می‌روند.^۱ مسئولیت رشد روحانی هر جامعه بر عهدهٔ محافل گذارده شده است. رشد روحانی عبارت است از امور مربوط به تبلیغ، تعلیم و تربیت اطفال و بزرگسالان، ازدواج، طلاق، مراسم تدفین و برگزاری جلسات ضیافتات ۱۹ روزه و ایام مشبّوکه. حضرت ولی امرالله می‌فرماید: «رابطهٔ احباء با محفل محلی باید مثل رابطهٔ فرزند با پدر و مادر باشد.»^۲

اطاعت از مؤسسات بهائی:

هیچ فرد بهائی نباید و نمی‌تواند خود را برتر از مقام محفل محلی بداند و هیچ عذری برای عدم اطاعت از اوامر محفل قابل قبول نیست. افراد مجاز هستند که در بارهٔ مطالبی از محفل سؤال کنند و یا تقاضای تجدیدنظر نمایند و اگر به رأی محفل راضی نبودند می‌توانند مسئله را به محفل ملی و حتی بیت‌العدل اعظم ارجاع نمایند ولی در طی آن مدت باید دستورات محفل را بدون تأمل اطاعت نمایند. حضرت ولی امرالله تأکید فرموده‌اند که احبا باید مطمئن باشند که اگر از دستور محفل اطاعت کنند خداوند خطاها را درست و جبران خواهد کرد.^۳

۱ - مضمون فارسی بیان مبارک از کتاب Compilation of Compilations. جلد دو

ص ۳۹ (انگلیسی).

۲ - مضمون فارسی بیان مبارک از کتاب Compilation of Compilations. جلد دو

ص ۳۹ (انگلیسی).

۳ - مضمون فارسی از کتاب Compilation of Compilations. جلد دوم. ص ۵۸

در دیانت بهائی برخلاف مؤسسات معمولی وقتی یک فرد به عضویت محفل و بعد به سمت رئیس و یا منشی محفل انتخاب می‌شود بر سایر احبا مقام و نفوذ مخصوصی نخواهد داشت. تصمیمات محفل که پس از مشورت با اعضاء اتخاذ می‌گردد باید مورد قبول و احترام احباء واقع شود.

برای انتخاب اعضاء محافل، وفاداری به حضرت بهاء الله و امر بهائی، صمیمیت بدون تظاهر، عقل، کفایت و تجربه کافی باید در نظر گرفته شوند. دارائی، نژاد، درجات تحصیلات و رفاقت نباید تأثیری در انتخابات محفل داشته باشد.

مشورت:

مشورت که اساس هر نوع تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد بفرموده حضرت عبدالبهاء باید با روحانیت انجام گیرد. در مشورت باید اولاً حقایق مربوطه را جمع‌آوری نمود و سپس در نظر گرفت که کدامیک از تعالیم الهی شامل آن مطلب می‌گردد و سپس در باره آن مطلب به بحث و گفتگوی صمیمانه پرداخت. بفرموده حضرت عبدالبهاء «از تصادم افکار مختلفه جرعه درخشان حقیقت حاصل می‌گردد.»^۱ پس از بحث و مشورت اگر اتفاق آراء بدست نیامد با رأی اکثریت تصمیم گرفته شده و آن تصمیم را همه افراد آن جامعه و حتی کسانی که رأی مخالف دادند باید اطاعت کنند. مخالفین و یا موافقین به هیچوجه حق ندارند که جامعه را از نظریه و رأی خود مطلع سازند.

۱ - (نظم اداری) از آثار حضرت ولی امرالله، ص ۲۱ (انگلیسی).

مؤسسه علمای بهائی:

در ادیان گذشته علما و روحانیون به مقام ریاست و رهبری می‌رسیدند و اغلب در قدرت و غروری که پیدا می‌کردند دچار فساد و سوءاستفاده از مقام خود می‌شدند. حضرت بهاءالله با دادن قدرت و صلاحیت به محافل روحانی که اعضای آن سالی یکبار انتخاب می‌شوند پیروان خود را از این فساد محافظه فرموده‌اند. ایشان برای استفاده از افراد با معلومات و صمیمی، مؤسسه علمای یا دانایان را مقرر فرمودند که خادمین این مؤسسه و قشبان صرف تشویق و ازدیاد معلومات احبا شده همواره در محافظت امر کوشش می‌نمایند ولی هیچگونه قدرت فردی ندارند.

اعضای این مؤسسه عبارتند از ایادیان امرالله، مشاورین قاره‌ای، هیئت معاونت و مساعدین آنها. حضرت بهاءالله در زمان حیاتشان چند نفر را بعنوان ایادی امرالله انتخاب فرمودند. حضرت عبدالبهاء تعدادی از مؤمنین را بعد از وفاتشان به مقام ایادی امرالله ارتقاء دادند. حضرت ولی امرالله برطبق الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بیش از ۳۰ نفر را به این مقام برگزیدند تا مسئول حفاظت و تبلیغ امر باشند. در سال ۱۹۶۸ بیت‌العدل اعظم که مجاز به انتصاب ایادی امر نبود مؤسسه مشاورین قاره‌ای را برای اجرای همان منظور تأسیس کرد. تنها فرق مشاورین با ایادی امرالله اینست که دوره خدمت مشاورین فقط ۵ سال بطول می‌انجامد و پس از انقضای این مدت ممکن است دوباره از طرف بیت‌العدل منصوب شوند.

اعضای هیئت‌های معاونت برای کمک به مشاورین منصوب می‌شوند و گروه مساعدین ایشان را در اجرای وظیفه کمک می‌کنند.

همه این افراد وابسته به مؤسسه علمای یا دانایان بهائی هستند. افراد بهائی را تشویق می‌کنیم که معاونین و مساعدین خود را شناخته برای مشاوره در هر

امری با ایشان تماس بگیرند.

ضیافات نوزده روزه:

اساس جلسات نوزده روزه از طرف حضرت باب نهاده شد و هدف آن ایجاد دوستی و تفاهم بین احبابست. این ضیافات معمولاً در اول هر ماه بهائی منعقد می‌گردند و اگر بعللی روز اول میسر نباشد انعقاد آن در هر روز از آن ماه جایز است.

شرکت در جلسه ضیافت باید برای هر فرد بهائی مقدّم بر هر چیز باشد. برنامه جلسات ضیافت از سه قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول که قسمت مناجات و تلاوت است آیات و الواح تلاوت می‌شوند. در قسمت بعد که قسمت اداری است اخبار دنیای بهائی و مکاتبات به اطلاع حاضرین می‌رسد و در باره پیشنهادهائی که از طرف شرکت کنندگان داده می‌شود شور و مشورت بعمل می‌آید. آخرین قسمت برنامه عبارت از پذیرائی و ملاقات‌های دوستانه است.

صندوق‌های بهائی:

در ساختن نظم جدید جهانی سه عامل مهم کمک می‌کنند که عبارتند از رهبری، سعی و کوشش و منابع مالی. تبرّع کردن یعنی تقدیم وجه به صندوق بهائی فقط مخصوص بهائیان است. مسلم است که با اشتراک مساعی و تبرّع همگانی امر مبارک پیشرفت خواهد کرد. خوبست تقدیم تبرّعات در هر ضیافت نوزده روزه برای فرد بهائی به صورت یک عادت در آید. مقدار تبرّع بستگی به تصمیم شخص دارد. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: «وظیفه وجدانی هر بهائی آگاه آنست که آزادانه و با رضایت خاطر تبرّعات سخاوتمندانه به صندوق

محفل تقدیم دارد. ^۱ مقدار تبرع هر قدر کوچک نیز باشد، اهمیت دارد زیرا به منزله قطرات باران است که رودخانه عظیمی را بوجود می آورد.

صندوق های مختلف بهائی عبارتند از صندوق بین المللی که از طرف بیت العدل اعظم بمصرف می رسد. صندوق قاره ای که مورد استفاده هیئت مشاورین قرار می گیرد و باید دانست که اعضای این هیئت، مشاور چندین محفل ملی هستند و مسافرت های پی در پی و مخارج دیگر برایشان ضروری است. خوبست افراد احبا در صورت لزوم با معاونین و با مساعدین خادم در این مؤسسه در محل خود تماس بگیرند.

مهاجرت:

در ادیان قبل وظیفه تبلیغ و توسعه دیانت بعهدۀ علمای دینی بود. در دیانت بهائی این مسئولیت و افتخار بعهدۀ افراد جامعه واگذار شده است. مهاجرین، بهائی هایی هستند که از راحت و آسایش خود چشم پوشیده به نقاط دوردست سفر می کنند تا نظم جدید حضرت بهاء الله را بگوش مردم روی زمین برسانند. گاهی این مهاجرت ممکن است بمنظور تشکیل یک محفل روحانی محلی به شهر نزدیکی انجام گیرد.

حضرت بهاء الله افرادی را که وطنشان را بمنظور مهاجرت ترک می کنند بسیار تمجید و تحسین فرموده اند. احبائی که مشتقاند که وظیفه خود را انجام داده ولی بعللی برایشان مهاجرت میسر نمی باشد می توانند با تبرع به صندوق مهاجرت وکالت به سایر مهاجرین بدهند.

۱ - کتاب (نظم اداری) نوشته حضرت ولی امرالله، ص ۲۱-۲۲ (انگلیسی).

فصل هفتم

زندگی در جامعه بهائی

با آن که زندگی در یک جامعه بهائی در جوار یکدیگر بسیار دلپذیر است ولی گاهی نیز ممکن است بنحو دلخواه نباشد، چون هیچکس قادر نیست یک بهائی کامل باشد، البته همه سعی داریم که روز بروز افکار و اعمالمان را بیشتر منطبق بر تعالیم بهائی کنیم. در این سعی و کوشش خوبست متوجه باشیم در باره سایرین قضاوت نکنیم و بعلاوه دیانت بهائی را با اعمال و رفتار کسانی که دائماً سعی می‌کنند بهائی بهتری شوند مورد انتقاد و ایراد قرار ندهیم. در مثال افراد بهائی حکم ماهی دارند و جامعه بهائی حکم آب. گرچه ممکن است گاهی آب بنظرمان صاف و تمیز نیاید ولی نفس دوری از تشکیلات مثل دوری ماهی از آب است که نتیجه‌ای جز هلاک نخواهد داشت.

حیات بهائی:

تعالیم بهائی برای ترقی و بهبود شرایط زندگی بشر نازل شده‌اند. امکان دارد

که در ابتداء برای وفق دادن با این تعلیمات، دچار مشکل و سختی بشویم ولی بعد از مدتی، عمل کردن به این دستورات برایمان عادی خواهد شد. مطابق فرموده حضرت ولی امرالله، حضرت عبدالبهاء نمونه کامل تعالیم بهائی سی باشند.

بعضی از صفات شریفه‌ای که هر فرد باید برای تحصیلشان سعی کند عبارتند از: ادب، تواضع، پاکی و طهارت، عدالت، رحم و انصاف، راستگویی، صبر و سکون، محبت و دوستی. با کوشش مداوم رفته رفته می‌توانیم این صفات را در خود کامل کنیم و در نتیجه نه تنها روح ما ترقی خواهد کرد بلکه خواهیم توانست سایرین را به دیانت بهائی جلب کنیم.

در هر جا که نگاه کنیم مردم بدنبال نیرو و قدرتی هستند که بتواند دنیا را بهتر کند. هر بهائی می‌تواند قدرت حضرت بهاءالله را با تأسی به احکام مبارکش به دنیا نشان دهد.

اشتراک مساعی عمومی:

اگر هرکس وظیفه خود را آنطور که شایسته و پسندیده است انجام بدهد ملکوت الهی سریع‌تر در روی زمین مستقر خواهد شد. جامعه بهائی حکم هیكل انسانی را دارد که هر قسمت آن وظیفه‌ای برعهده دارد. عضله و استخوان هر یک ساختمان و وظیفه جداگانه‌ای دارند ولی با همکاری بدن را قادر به حرکت می‌کنند. اگر یکی از اعضای بدن و وظیفه خود را انجام ندهد بدن ممکن است زنده بماند ولی بدون شک در کار آن خلل وارد خواهد شد. ظرفیت و وظیفه هر یک از ما بر دیگری متفاوت است. تنها وظیفه‌ای که همه ظرفیت اجرائش را داریم دعا و سعی در تطابق زندگیمان با تعالیم حضرت بهاءالله است.

ضيافات نوزده روزه:

قبلاً درباره ضيافات نوزده روزه صحبت کردیم. ولی باید یادآوری شود که به ضيافت رفتن فقط یک وظیفه تشکیلاتی نیست بلکه ضيافت را می توان قلب جامعه بهائی محسوب کرد.

در برنامه ضيافت، محفل محلی گزارش فعالیت های خود را به جامعه بهائی داده با حاضرین مشورت و تبادل نظر می کند. پیشنهادات ضيافت برای در نظر گرفتن به محفل فرستاده می شوند. صلاحیت هر پیشنهاد بسته به رأی محفل است. از آنجائی که جلسات ضيافات محل بحث و گفتگویی آزاد در باره جامعه بهائی است فقط بهائیان حق شرکت در آن را دارند. شرکت در جلسات ضيافات وظیفه هر بهائی است مگر آنکه مریض یا در سفر باشد.

تعطیلات بهائی:

تعطیلات بهائی سالگرد حوادثی هستند که در حیات حضرت اعلی و حضرت بهاء الله پیش آمده اند.

روزهای تعطیل بهائی ۹ روزند که عبارتند از: تولد، اظهار امر و شهادت حضرت اعلی. تولد حضرت بهاء الله، اظهار امر ایشان یا عید رضوان که اول، نهم و دوازدهم آن ایام تعطیل هستند و عید نوروز که روز اول سال بهائی است. در این تعطیلات باید از رفتن به کار یا مدرسه خودداری کرد. روزهای زائد سال به نام ایام هاء نامیده شده که معمولاً چهار و یا در سال کبیسه پنج روز در سال است که بین ماه هیجدهم و ماه نوزدهم تقویم بهائی قرار دارند ولی جزو روزهای تعطیل نیستند. ایام هاء درست قبل از ماه صیام یعنی روزه بوده مخصوص مهمانی، پذیرائی، دادن صدقه و دستگیری از فقر است.

درس اخلاق:

درس اخلاق سبب ارشاد روحانی اطفال شده آنها را با تاریخ و تعالیم بهائی آشنا می‌سازد و به آنان اخلاق و رفتار بهائی را تعلیم می‌دهد. تربیت اطفال مسئولیتی است که از حضرت بهاء‌الله به پدران و مادران و سپس به محافل محلی داده شده است. نام اطفال بهائی در هنگام تولد و یا بعداً در دفتر محفل ملی ثبت شده در سن پانزده سالگی نامه‌ای از طرف محفل ملی برایشان فرستاده می‌شود و بعنوان یک جوان بهائی ورودشان را به داخل جامعه بهائی خوش آمد می‌گوید. در این موقع هیچگونه فشار و اجباری در کار نیست و بعداً هر جوان است که خود را بهائی بخواند یا نه. سن پانزده سالگی در دیانت بهائی سن بلوغ بشمار می‌رود و از آن به بعد نماز و روزه برای هر شخص واجب است.

تزیید معلومات:

مطالعه و تفحص در آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله به انسان فرصت می‌دهد تا مقام جمال مبارک یعنی حضرت بهاء‌الله را بهتر بشناسد و واقف شود که چگونه تعالیم ایشان، انسان و جامعه را بسوی ترقی و تکامل راهنمایی می‌کنند. با ازدیاد معلومات خود موفقیت بیشتری در امر تبلیغ نیز نصیبان خواهد شد.

فصل هشتم

ظهورات مستمر و مداوم الهی

حضرت ولی امرالله در تفسیر تعالیم حضرت بهاءالله می فرمایند: «تعالیم و توضیحات هر دیانت مطلق و تمام نبوده، بلکه نسبی می باشند و ظهورات الهی آخر و انتها نداشته، مداوم و مستمر هستند.»^۱

دین:

با وحشت و نفرتی که در اوضاع کنونی جهان دیده می شود بنظر می رسد که پایانی برای اختلاف و دودستگی وجود ندارد. بهائیان از وضع جهان آگاه بوده بخوبی می دانند که چرا دنیا به این حال بد افتاده و درمانش چیست. بنا برنموده حضرت ولی امرالله، ما در دنیای امروز شاهد دردهای احتضار نظم قدیم و درد

۱ - کتاب «نظم جهانی حضرت بهاءالله» بقلم حضرت ولی امرالله. ص ۵۸ (انگلیسی).

تولد نظم جدید بهائی هستیم. حضرت بهاءالله بما که در این دوره حساس تاریخ زندگی می‌کنیم دورنمایی از دنیای پر جلال آتیه نشان داده‌اند. در دنیای امروز متأسفانه دیانت‌ها خود باعث اختلاف و دشمنی شده‌اند. ولی دیانتی را که حضرت بهاءالله به عالم هدیه فرموده‌اند تمام ملل جهان را در زیر سرپرده یگانگی خواهد آورد. از جمله تعالیم حضرت بهاءالله وحدت الهی، وحدت عالم انسانی و وحدت کلیه ادیان است. همه پیامبران از جانب خدا برای تربیت عالم انسانی آمده‌اند. در آثار بهائی آمدن پیامبران، بعنوان ظهورات مستمر و مداوم الهی یاد شده است. حضرت بهاءالله در کتاب ایقان این مطلب را مفصلاً مورد بحث و گفتگو قرار داده و حضرت عبدالبهاء در سفرهای خود به اروپا و امریکا در باره این مطلب توضیحات فراوان داده‌اند.

هدف خلقت انسان:

خداوند از راه لطف و مرحمت خود از بین تمام مخلوقات به انسان روح عطا کرده و به او قابلیت داده که مظهر صفات الهی بشود. هدف از ارسال پیامبران آنست که عالم انسانی را بسوی نجات و فلاح راهنمایی کنند و روح او را برای ورود به عوالم الهی آماده و کامل سازند.

خداوند و پیامبران الهی:

درک ذات الهی برای بندگان همواره غیر ممکن و تا ابد مستور خواهد ماند. مظاهر الهی تنها رابط بین خلق و خالق هستند و آئینه وجود آنان با صافی و شفافیتی که مختص به آن حضرات است خداوند را به اندازه فهم و درک انسان منعکس می‌نمایند ولی خدا نیستند. بمعنای دیگر خدای یکتا شریک ندارد.

حضرت عبدالبهاء در این مورد می‌فرمایند، هنگامی که وحی الهی بر پیامبران نازل می‌شود آنان سخنگوی خدا می‌شوند و نباید عشق و محبت به یکی از این پیامبران، انسان را از مشاهده جمال دیگر پیامبران محروم سازد و همینطور می‌فرمایند: «عشق به نور نباید انسان را عاشق چراغ کند بلکه انسان باید شیفته نور باشد از هر محلی که بتابد.»^۱

وحدت پیامبران الهی:

امروز جهان مملو از عاشقان شمع و چراغ است ولی متأسفانه همگی شان بر سر رنگ و شکل شمع و چراغ بدون توجه به شعله و نور با یکدیگر اختلاف دارند. بفرموده حضرت بهاءالله: «خداوند یگانه می‌فرماید میان پیامبران جدائی ننهییم چون خواست همگی یکی است و راز همگان یکسان. جدائی و برتری میان ایشان روا نه.»^۲

خورشید امروز همان خورشید دیروز است ولی امروز روز متفاوتی است. خورشید تابستان همان خورشید زمستان است ولی شدت حرارت و نور آن متفاوت است. شدت تعالیم پیامبران نیز بر طبق ظرفیت عالم انسان فرق دارد. بهائیان معتقدند که مقام کلیه پیامبران الهی از حضرت آدم، ابراهیم، نوح و کریشنا تا موسی، زرتشت، عیسی و محمد یکسان بوده همگی حامل نبوت بودند. حضرت باب مبشر بظهور حضرت بهاءالله هستند که یوم‌الله یا روز خدا را آغاز فرمودند.

۱ - اساس وحدت جهانی، ص ۱۵ (انگلیسی).

۲ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۳۴.

بوقوع پیوستن پیشگوئی‌ها:

از آنجائی که روح پیامبران برخلاف روح انسان از قبل وجود داشته و برای همیشه دائمی و برقرار است بنابراین علم آنان نیز گذشته و آینده را در بر می‌گیرد. همهٔ پیامبران قبل، روزی را می‌دیدند که عالم بشریت به دورهٔ بلوغ خواهد رسید و بنابراین همهٔ آنان آمدن رب‌الجنود را پیشگوئی کردند.

متأسفانه در هر زمان اکثر مردم که از بینش روحانی محروم بوده و می‌باشند، از شناختن مظهر الهی محروم مانده‌اند. چه که قادر بدیدن ماورای شکل انسانی پیامبران نبودند. بخصوص علم و دانش دنیوی سبب کوری و محرومیتشان شده است. حضرت عیسی در تأیید مطلب ظهورات دائم و مستمر الهی فرمود: «بسیار گفتمی دارم که اکنون آمادهٔ شنیدن آن نیستید، روح حقیقت در وقت ظهور، شما را به آن حقایق راهنمایی خواهد کرد.»^۱

دور ظهورات الهی:

امروز علم ثابت کرده است که میلیون‌ها سال از پیدایش انسان می‌گذرد. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «مظاهر الهی در قرون لاولیه مبعوث شده‌اند و خلق را به حق دعوت فرموده‌اند.»^۲

هر دور از ظهورات مانند دور طبیعت است. در فصل بهار جریان بگ انرژی و موج نم، دخت، است. است که ... ش ... فصل را کد زمستان

۱ - انجیل یوحنا، ۱۶: ۱۲، ۱۳.

۲ - منتخبانی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۳۴.

آن درخت بیزار از بی‌برگی آماده موج دیگری می‌شود. این امواج سالیانه مرتباً درخت را بیدار کرده رشدش را تأمین و تضمین می‌کنند. اما یک بهار در زندگی درخت مهم‌ترین بهار است و آن بهار بی‌مثال بلوغ است که برای اولین دفعه درخت شکوفه و میوه می‌دهد. امروز عالم انسانی در شرف بلوغ است و اولین میوه آن وحدت عالم انسانی است. البته با رشد درخت میوه عوض نمی‌شود بلکه شیرینتر و آبدارتر می‌گردد. ظهورات آینده که اولین آنها بعد از انقضای مدت هزار سال از ظهور حضرت بهاء‌الله خواهد بود، بشر را به اوج بلوغ و تکامل خود خواهند رسانید.

* * * * *

فصل نهم دانستنی‌ها

اسم اعظم:

یا الاهی
بی‌شائبه
®
یا بهاء‌الابهی

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید اسم اعظم الهی بهاء می‌باشد که بمعنای شکر، درخشندگی و نور می‌آید.

®
نقش روی اکثر

بر طبق بیان حضرت ولی امرالله، اسم اعظم شامل اسامی بهاء، بهاء‌الله، یا بهاء‌الابهی، الله‌ابهی و نقش روی انگشتر اسم اعظم است. بهاء‌الله یعنی جلال و نور خداوند.

یا بهاء‌الابهی ندائی است بر اسم حضرت بهاء‌الله و اغلب بصورت تابلو در منازل بهائی دیده می‌شود. نقش یا بهاء‌الابهی توسط خطاط معروف بهائی جناب

مشکین قلم طرح گردید.

نقش اسم اعظم که اغلب بر روی نگین انگشتر و یا تابلو دیده می شود، توسط حضرت عبدالبهاء طرح گردیده است. آن شامل سه خط افقی است که نمایانگر عالم حق، عالم امر و عالم خلق است. خط عمودی که سه خط افقی را بهم مربوط می کند نمایانگر مظاهر الهی است که عالم حق را به عالم خلق مربوط می سازند. دو ستاره در دو طرف نمایانگر حضرت باب و حضرت بهاء الله می باشند. چهار حرف ه در دو چشم، نمایانگر حضرت بهاء الله و دو خط که بشکل «ب» هستند نشان حضرت باب می باشند.^۱

تزیین انگشت با انگشتر اسم اعظم یک قانون بهائی نیست. اسم های اعظم را در هر کجا و هر مورد، باید با نهایت احترام جای داده شده، نباید برای تزیین غذا، سرلوحه کاغذ مکاتبات و سنگ مقبره از آن ها استفاده نمود.

الله ابهئی به عنوان سلام بین بهائیان بکار می رود ولی بر طبق بیان حضرت ولی امرالله موقمی که غیر بهائیان حضور دارند، باید از گفتن الله ابهئی خودداری کنند زیرا بخصوص در ممالک غرب بصورت یک کلمه مرموز شرقی تلقی می شود.^۲

ستاره های پنج پر و نه پر:

با آنکه در اغلب سرلوحه های بهائی ستاره ۹ پر بکار برده می شود حضرت

۱ - مستخرج از مقاله ای بقلم ایادی امرالله ابوالقاسم فیضی در شماره اکتبر ۱۹۶۸ در اخبار بهائی امریکا بچاپ رسید.

۲ - کتاب Lights of Guidance، ص ۲۱۲، چاپ سال ۱۹۸۳.

ولی امرالله می‌فرمایند که نشان و علامت دین بهائی ستارهٔ ۵ پر است.^۱ بر طبق حروف ابجد که هر حرف آن شماره‌ای دارد شماره نام باب مساوی با پنج و بهای مساوی با نه است. حال که صحبت از شمارهٔ ۹ بمیان آمد لازم است خاطر نشان گردد که ۹ طرف مشرق‌الاذکارها به مبارکی نام بهاء است.^۲ و به همین منوال نهم عید اعظم رضوان نظر به اهمیت مبارکی عدد ۹ است.

تقویم بهائی:

آغاز تقویم بهائی را سال هزار و هشتصد و چهل و چهار یعنی سال ظهور حضرت باب تشکیل می‌دهد.

تقویم بهائی به نام دور بهائی که انگلیسی آن Baha'i Era است نامیده می‌شود. حروف B و E که بعد از شمارهٔ سال نوشته می‌شوند مختصر Bahai Era می‌باشند.

حضرت باب سال را به نوزده ماه و هر ماه را به نوزده روز تقسیم نموده، نام‌های کمالات الهی را برای ماهها تعیین فرمودند. حضرت بهاءالله چهار و یا پنج روز ایام هاء را در بین ماههای هجدهم و نوزدهم قرار دادند. طول روز بهائی بجای آنکه از دوازده شب تا دوازده شب بعد باشد، از غروب تا غروب بعد مقرر شده است.

۱ - کتاب Lights of Guidance، ص ۸۲، چاپ سال ۱۹۸۳.

۲ - کتاب Lights of Guidance، ص ۳۱۲، چاپ سال ۱۹۸۳.

مرکز جهانی بهائی:

منظور از مرکز جهانی بهائی مرکز اداره و تشکیلات جهانی بهائی است که در شهر حیفا در کشور اسرائیل واقع است. با مطالعه تاریخ دیانت بهائی معلوم می‌شود که چرا شهر حیفا مرکز اداره بهائیان جهان است. لوح کرم‌ل که در سال ۱۸۹۱ از قلم حضرت بهاءالله نازل شد بمنزله فرمان استقرار مرکز جهانی بهائی در کوه کرم‌ل بشمار می‌رود. در این لوح حضرت بهاءالله به کوه کرم‌ل خطاب کرده می‌فرمایند: «بزودی خداوند سفینه‌الله یعنی کشتی خود را بروی تو بحرکت خواهد آورد و اهل بهاء را که ذکرشان در کتاب اسم‌ها آمده است ظاهر خواهد ساخت.»^۱

پس از آن که حضرت ولی امرالله نمای خارجی مقام اعلی را با تمام رساندند نقشه قوس را که مرکزش مراقد یعنی محل‌های دفن خواهر حضرت عبدالبهاء ملقب به حضرت ورقه علیا، برادر حضرت عبدالبهاء ملقب به غصن اطهر و مادر حضرت عبدالبهاء آسیه خانم ملقب به نواب، طرح فرمودند و پنج بنا را در این قوس در نظر گرفتند. اولین این بناها ساختمان محفظه دارالآثار بود که در زمان حیات حضرت ولی امرالله به اتمام رسید. ساختمان بیت‌العدل اعظم که در رأس قوس است در سال ۱۹۸۲ کامل شد. سه ابنیه دیگر که فعلاً در دست ساختمان کتابخانه بین‌المللی. در ضمن ساختمان طبقات هجده گانه که ۹ عدد در بالا و ۹ عدد دیگر در پائین مقام اعلی قرار دارند در حال تکمیل است. اتمام ساختمان‌های قوس کرم‌ل مقارن با شروع صلح اصغر بوده که با تأییدات

۱ - مضمون بیان مبارک به فارسی از لوح کرم‌ل.

الهی و فداکاری اعیاناً مقارناً بعرضه شهود خواهند آمد.

از شنوندگان گرامی این مجموعه تقاضا داریم که با بزرگواری خود هرگونه کمبودی را چشم‌پوشی کرده برای اطلاعات بیشتر به آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و تفسیرات حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت‌العدل اعظم مراجعه فرمایند.

توضیح عکس پشت جلد

- * قلمه چهریق، آخرین زندان حضرت باب
- * مجمع بدشت - ورود طاهره بدون حجاب
- * علیمحمد ورقا و فرزندش روح الله در آستانه شهادت
- * بدیع ملقب به فخرالشهدا در انتظار شهادت

by
DARIUS K. SHAHROKH, M.D.
MRS. GRACE L. SHAHROKH

Transcript of Audio Tape

Translated by
DR. MINOO SABET

Narrated by
Shokouh Rezaie & Darius K. Shahrokh, M.D.

Baha 154 B.E., March 1998
Images International
5010 Austin Rd., Chattanooga, TN 37343
Tel: 1-800-470-4525

